

آثاری مانند شمال از جنوب غربی، اگر چه از لحاظ موضوعی جذابیت بیشتری برای جشنواره‌های خارجی دارند، اما وابستگی آن‌ها به پیش‌زمینه‌های تاریخی و فرهنگی ایران، درک آن‌ها را برای مخاطب غیرایرانی دشوار می‌کند. در میان آثار امسال، مرد آرام بیشترین پتانسیل را برای موفقیت در عرصه جهانی دارد. موضوع مهاجرت و مشکلات مهاجران افغان، مسئله‌ای بین‌المللی است که اگر فیلم بتواند به خوبی از آن بهره بگیرد، ممکن است در جشنواره‌هایی مانند برلین، ونیز یا حتی بخش فیلم‌های بین‌المللی اسکار مورد توجه قرار گیرد. با این حال، کندی روایت و نبود لحظات سینمایی تأثیرگذار، از نقاط ضعفی است که باید برای رقابت در سطح جهانی مورد بازبینی قرار گیرد.

از سوی دیگر، فیلم‌هایی مانند موسی کلیم‌الله، علی‌رغم بودجه و تولید سنگین، به دلیل رویکرد خطی و کلیشه‌ای در روایت، شانس چندانی برای موفقیت جهانی ندارند. فیلم‌هایی با مضامین دینی، زمانی در جشنواره‌های بین‌المللی موفق بوده‌اند که توانسته‌اند از مرزهای روایی عبور کرده و تجربه‌ای متفاوت ارائه دهند، مانند مصائب مسیح مل گیسون. در مقابل، بازی را بکش با موضوع افشاگری در دنیای فوتبال، ایده‌ای جذاب دارد، اما در نهایت در سطح یک درام داخلی باقی می‌ماند و فاقد عمق تحلیل اجتماعی و اقتصادی لازم برای جلب توجه داوران آکادمی اسکار است.

در مجموع، اگر چه برخی از فیلم‌های جشنواره فجر امسال از پتانسیل مطرح شدن در سطح بین‌المللی برخوردارند، اما برای موفقیت در اسکار، فراتر از کیفیت فیلم‌ها، یک استراتژی مشخص و حمایت هدفمند از آن‌ها لازم است. کشورهایی که موفق به کسب جایزه بهترین فیلم بین‌المللی اسکار شده‌اند، معمولاً با سرمایه‌گذاری روی یک فیلم خاص، آن را در مسیر درست هدایت کرده‌اند. برای مثال، فیلم‌هایی مانند انگل از کره جنوبی یا کفر ناحوم از لبنان، نه تنها از نظر سینمایی قدرتمند بودند، بلکه کمپین‌های تبلیغاتی قوی و حضور گسترده در جشنواره‌های مهم را نیز تجربه کردند. در ایران، چنین برنامه‌ریزی‌ای معمولاً وجود ندارد و همین مسئله باعث شده است که حتی فیلم‌های شایسته نیز در رقابت‌های جهانی به موفقیت نرسند.

بنابراین، در حالی که مرد آرام، شمال از جنوب غربی و زیبا صدایم کن را می‌توان به عنوان گزینه‌های محتمل برای حضور در جشنواره‌های بین‌المللی در نظر گرفت، شانس آن‌ها برای رقابت در اسکار، بدون یک کمپین تبلیغاتی قوی و حضور موفق در جشنواره‌های معتبر جهانی، بسیار کم خواهد بود. اگر سینمای ایران بخواهد به موفقیت‌های بین‌المللی بیشتری دست یابد، نیازمند نگاهی استراتژیک‌تر به فرآیند انتخاب، معرفی و حمایت از فیلم‌های خود در عرصه جهانی است.

حساس، نتواسته است تحلیل عمیقی از فساد سیستماتیک ارائه دهد و بیشتر در سطح یک داستان ساده و بدون عمق باقی مانده است. این امر موجب شده که فیلم نتواند در سطوح بالاتر از یک داستان جالب توجه حرکت کند و تحلیل‌های دراماتیک آن به شکلی سطحی باقی بماند.

مرد آرام ساخته بهنوش صادقی، به زندگی مهاجران افغان در ایران پرداخته و به‌ویژه به چالش‌های اجتماعی و مشکلات روزمره آن‌ها در جامعه ایران توجه کرده است. فیلم با پرداختی دقیق و واقعی به این موضوع، تلاش دارد شرایط مهاجران افغان را به تصویر بکشد. در این فیلم، مشکلات اقتصادی و اجتماعی این مهاجران به خوبی نمایش داده شده و به نوعی شاهد رنج و درد این اقلیت در جامعه ایران هستیم. با این حال، ریتم کند فیلم و نبود نقطه اوج سینمایی از مشکلات اساسی آن است. این اثر فاقد کشش لازم برای انتقال بحران‌های درونی شخصیت‌ها به تماشاگر است و بیشتر در حالت ایستا باقی می‌ماند.

ناتور دشت ساخته محمدرضا خردمندان، یک فیلم نوجوانانه است که به بحران هویت و مشکلات روحی نوجوانان پرداخته است. این فیلم با استفاده از دیالوگ‌های روان و فضای ملایم، توانسته است در بیان دغدغه‌های درونی شخصیت‌های نوجوان موفق عمل کند. با این حال، فیلم از نظر ساختار روایی و بصری بسیار ساده است و فاقد سبک منحصر به فردی است که بتواند آن را از دیگر آثار مشابه متمایز کند. شخصیت‌ها به خوبی پرداخته شده‌اند، اما از آنجا که فیلم فاقد جذابیت بصری و دنیای سینمایی خاص است، نتوانسته است تأثیرگذارتر از آنچه که هست، ظاهر شود.

شانس حضور در اسکار

همانگونه که پیشتر اشاره شد چهل و سومین جشنواره فیلم فجر در حالی به پایان رسید که طیف متنوعی از آثار در آن به نمایش درآمد. از درام‌های اجتماعی گرفته تا فیلم‌های تاریخی و حتی آثاری با مضامین دینی، هر یک تلاش کردند بخشی از جامعه و دغدغه‌های معاصر ایران را منعکس کنند. اما در این میان، پرسش اصلی این است که آیا این فیلم‌ها از پتانسیل حضور در جشنواره‌های بین‌المللی، به‌ویژه اسکار، برخوردارند؟

بررسی فیلم‌ها نشان می‌دهد که بیشتر آن‌ها، هر چند در چارچوب سینمای ایران آثاری قابل توجه محسوب می‌شوند، اما برای رقابت در سطح جهانی نیازمند اصلاحاتی در ساختار، روایت و استراتژی‌های توزیع بین‌المللی هستند. برخی فیلم‌ها مانند زیبا صدایم کن و بچه‌ی مردم، با وجود پرداخت احساسی و شخصیت‌پردازی قوی، در حد یک درام استاندارد باقی می‌مانند و فاقد آن ویژگی‌های منحصر به فردی هستند که بتوانند توجه جشنواره‌های بین‌المللی را جلب کنند.

تأمل دارد، جزو نقاط قوت این فیلم است. فیلم در نگاهی دقیق به تاریخ و تحولات اجتماعی کشور، موفق عمل کرده است و نشان می‌دهد که سینمای ایران همچنان به تاریخ و مسائل فرهنگی خود علاقه‌مند است. با این حال، ساختار پیچیده فیلم و وابستگی به پیش‌زمینه‌های تاریخی ایران، ممکن است تماشاگران خارجی یا حتی برخی مخاطبان داخلی را در درک و همراهی با فیلم دچار مشکل کند. این اثر برای کسانی که آشنایی کاملی با تاریخ و مسائل اجتماعی ایران ندارند، می‌تواند کمی دشوار و پیچیده باشد، اما برای مخاطبان آشنا با تاریخ ایران، یک تجربه بصری و فکری غنی به شمار می‌رود.

بچه‌ی مردم ساخته محمود کریمی، فیلمی است که به دنیای نوجوانان و چالش‌های اجتماعی آنان می‌پردازد. این فیلم با نگاهی واقع‌گرایانه، سعی دارد مسائلی نوجوانان را در شرایط اجتماعی ایران به تصویر بکشد. به‌طور خاص، این اثر در ارائه دنیای نوجوانان بدون افتادن در دام شعارزدگی یا ژست‌های آگاهانه، موفق عمل کرده است.

فضای فیلم ساده و بی‌پیرایه است، اما در عین حال به شدت ملموس و نزدیک به واقعیت‌های روزمره نوجوانان ایرانی، با این حال، فیلم در ایجاد تنش‌های دراماتیک کمی ضعیف است و از نظر داستانی فاقد غافلگیری و دگرگونی‌هایی است که تماشاگر را درگیر کند. بدون شک این اثر با توجه به فضای واقعی خود برای مخاطبان ایرانی جذاب است، اما در ابعاد جهانی ممکن است از نظر دراماتیک و روایتی نتواند در میان سایر آثار مشابه بدرخشد.

موسی کلیم‌الله ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا، با جلوه‌های بصری عظیم و تولیدی سنگین، به یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های جشنواره فجر تبدیل شد. این فیلم که به زندگی پیامبر موسی (ع) پرداخته، با استفاده از تکنیک‌های ویژه در زمینه ساختارهای بصری، صحنه‌های باشکوهی را به نمایش می‌گذارد. با این حال، در سطح روایتی، فیلم به گونه‌ای پیش می‌رود که شخصیت‌ها بیشتر نمادهای مذهبی هستند تا انسان‌های پیچیده با ویژگی‌های شخصیتی عمیق. این ویژگی ممکن است باعث شود که فیلم از نظر سینمایی و درام، بیشتر به سطح نمادین و پیام‌های مذهبی محدود شود و نتواند در ایجاد تجربه‌ای عمیق و انسانی برای مخاطب سینما، موفق باشد. این فیلم بیشتر به‌عنوان یک اثر مذهبی و تاریخی برجسته است، اما از نظر ساختار دراماتیک، فاقد عمق و پیچیدگی لازم است.

بازی را بکش، ساخته محمدابراهیم عزیزی، با تمرکز بر موضوع فساد در فوتبال ایران، فیلمی است که تلاش دارد تا با پرداخت به موضوعی اجتماعی و پر مخاطب، توجه‌ها را جلب کند. این فیلم با حضور محسن کیایی در نقشی مهم، به تصویر کشیدن فساد در دنیای فوتبال ایران پرداخته است. اما فیلم به‌رغم داشتن موضوعی



سوال مهمی که به ذهن می‌رسد این است که آیا این فیلم‌ها قادرند در سطح جهانی خود را مطرح کنند یا همچنان در محدوده مخاطب داخلی باقی خواهند ماند؟